

نقش ترس از جرم بر اجرای علنی مجازات مرگ با تأکید بر نقش رسانه‌ها (مطالعه موردی اعدام قاتل روح الله داداشی)

حمیدرضا نیکوکار^۱

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

مژگان امراللهی بیوکی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه فرایبورگ آلمان.

مهری بزگو

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

چکیده

هر اس رسانه‌ای و در نتیجه آن افزایش ترس از جرم، متغیری مهم در ترسیم سیاست کیفری است. پژوهش پیش رو در مقام مطالعه‌ی تأثیر رسانه، ترس از جرم و عوام گرایی کیفری بر اجرای علنی مجازات اعدام است. به این منظور نویسنده‌گان برای آزمون متغیرهای پژوهش، به حادثه‌ی قتل مرحوم روح الله داداشی، از ورزشکاران محبوب رسانه‌ها، توجه کردند. این پژوهش به روش میدانی در میان جامعه آماری ۲۲۵ نفر از شهروندان تهرانی در طول ۲ ماه از تاریخ مهر ماه سال ۱۳۹۰ خورشیدی انجام شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ترس پرسش - شوندگان از قتل عمد در مقایسه با دیگر جرایم پرسش شده (شامل سرقت از منزل، تجاوز جنسی، ضرب و جرح، تصادف با راننده‌ای بی احتیاط، کیف‌قاپی یا جیب - بری، توهین یا تعرض) پایین تر بوده است. همچنین سزاگرایی پرسش شوندگان در مواجهه با قتل عمد با سبق تصمیم بسیار بالاتر از قتل عمد بدون سبق تصمیم بوده است. گفتنی است به رغم مخالفت پرسش شوندگان با اجرای مجازات اعدام در ملا

1. Email: hamidreza.nikookar@yahoo.com (نویسنده مسئول)

عام و نیز دیدگاه منفی آنان درباره اعدام مجرمان زیر ۲۰ سال، آنها اعدام علنى قاتل روح الله داداشی را که کمتر از ۱۸ سال سن داشت، کاملاً قبول داشتند. این تفاوت ریشه در شخصیت رسانه‌ای مقتول و نیز نحوه‌ی بازنمایی بزه‌کار به نام «بد» و یا «اراذل و اوباش» داشته است. پدیده‌ای که نتیجه محتوم آن افزایش عوام‌گرایی کیفری در صدور حکم و اجرای علنى مجازات است.

واژگان کلیدی: رسانه، ترس از جرم، اعدام در ملأ عام، عوام‌گرایی کیفری

مقدمه

به باور جرم‌شناسان، کیفر باید از گسترش و سرایت «بدی» جلوگیری کند. به عبارتی تنبیه بزه‌کار باید بتواند کسانی را که سودای تقلید از او را دارند، به اندیشه و ادارد. از همین روست که قانون‌گذاران، اغلب با هدف ترساندن جمعی مجازات‌هایی را پیش‌بینی می‌کنند که به لحاظ شدت، سرعت و حتمیت، افکار عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این هدف همواره و از دیرباز، سر فصل بازدارندگی تلقی می‌شده است؛ پس، نمایش صحنه تنبیه و مجازات‌ها در شدیدترین وجه آن و در منظر عمومی برای ترساندن بزه‌کاران احتمالی، پیشگیری از تکرار جرم و به وحشت انداختن اطرافیان ضروری دانسته می‌شده است.^۱ اجرای علنى مجازات از دوران باستان تا اروپای قرن هجدهم حربه‌ای رایج و قطعی برای پیشگیری کیفری بوده است؛ باوری که همچنان در نظام عدالت کیفری برخی کشورها رواج دارد.^۲

اجرای علنى مجازات‌ها به ویژه مجازات اعدام، در مقام نظر، موافقان و مخالفان خاص خود را دارد اما علاوه بر اندیشه‌های کیفری، عوام‌گرایی و نیز فشارهای سیاسی در این خصوص تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از عوامل کلیدی در ترسیم نوع و چگونگی اجرای مجازات در سیاست جنایی تقنینی و قضایی دیدگاه و خواست

۱ بولک، بزرگ، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی (۱۳۸۶)، تهران: مجده، چاپ هفتم، ص ۳۲.
۲ میلانی، علی رضا (۱۳۸۷)، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در بستر تاریخ، نشریه حقوقی دادگستری، بهار و تابستان، شماره ۶۲ و ۶۳، ص ۱۶۱.

مردم است. این عامل می‌تواند زیر تأثیر عناصر مختلف اجتماعی همچون بزرگ‌نمایی برخی جرایم در رسانه‌ها، گفتمان افراد درباره‌ی آن، شیوع شایعات و داستان‌سرایی‌های متداول و متداوم و در نتیجه تولد ترس از جرایم خاص و یا جرایم به‌طور کلی، سیاست جنایی را به مسیری متفاوت از آن‌چه باید رهمنمود شود. علاوه بر این، شیوع ترس از جرم می‌تواند شتاب‌زدگی در اتخاذ تصمیمات قضایی و در نتیجه نادیده انگاشتن اصول دادرسی عادلانه را در پی داشته باشد، چه این که با رخداد جنایتی خاص و به ویژه با رسانه‌ای شدن آن، افراد می‌پندارند کیفردهی تدبیری است حیاتی برای تأمین احساس امنیت و در نتیجه افزایش کیفیت زندگی، بی‌آن که الزاماً توجه چندانی به حرکت در مسیری شایسته و رعایت اصول دادرسی عادلانه داشته باشند.

اجrai علنی مجازات مرگ دارای آثار سوء اجتماعی همچون ترویج خشونت و نادیده انگاشتن کرامت انسانی است. چنان‌که بتام می‌گوید: «همه‌ی مجازات‌ها بد هستند؛ هر مجازاتی در سرشت خویش، شر است». با این توصیف، مجازات نیز همانند جرم، نوعی خشونت است و اجرای علنی آن نمایش خشونت. این خشونت در صورتی که در چارچوب اصول اساسی و انسانی حقوق کیفری، پیش‌بینی و اجرا گردد، خشونت مشروع یا موجه محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت، هر چند با هر گونه مجوز قانونی، باید آن را خشونت ناعادلانه دانست.^۱ اجرای علنی مجازاتی مانند اعدام که مصدقابارز خشونت و گرفتن زندگی از یک انسان است و دعوت مردم برای حضور در مراسم اعدام، بیشتر یادآور نحوه اجرای مجازات در قرون وسطی است و توالی فاسد آن تمایل مردم به حضور در مراسم مشابه و تصور مجرم به عنوان موجودی بیگانه و نه فردی از خود آنان و درنهایت، ترویج خشونت است، چه این نمایش تماشاچیان را به خشونت دائمی عادت می‌دهد، در حالی که هدف از

^۱ حبیب‌زاده، محمد جعفر و دیگران (۱۳۸۳)، خشونت و نظام عدالت کیفری، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه، تابستان، ص. ۶

اجرای آن، منع مردم از خشونت است.^۱ در مورد آثار سوء اجتماعی اجرای علنی اعدام همین بس که بکاریا می نویسد: «ما بی هیچ تأسیفی و با سردی به تماشای مراسم آدم کشی می ایستیم که این خود جنایتی فجیع است»^۲

با توجه به تأثیر رسانه‌ها بر احساس شهروندان و نقش آنها در ایجاد یا افزایش ترس از جرم، واکاوی این متغیر در نسبت با اجرای علنی مجازات اعدام ضروری می‌نماید. رسانه‌ها با تمرکز بر روی موضوعی، آن را به موضوع در خور توجه و اغماض ناپذیری تبدیل و به سادگی، خواست و رفتاری را نزد مردم ارزشی معتبر جلوه می‌دهند.^۳ یکی از موضوع‌های بنیادین جرم‌شناسی انتقادی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، توجه به قدرت رسانه‌های جمعی در برانگیختن ترس از جرم بود. رسانه‌ها خبرسازی می‌کردند و به ترس از شیطان‌های انسان‌نما دامن می‌زدند، بیگانگان را داغ بدنامی می‌نهادند و میزان انحراف آنها را بزرگ‌نمایی می‌کردند.^۴ از همین‌رو، مسئله‌ی اساسی پیش‌روی این پژوهش، تأثیر یا عدم تأثیر رابطه‌ی در هم تبیه‌ی رسانه، ترس از جرم و افزایش عوام‌گرایی کیفری بر اجرای علنی مجازات مرگ است. فرضیه‌ی بررسی شونده، بر این پایه استوار است که شیوه‌ی بازنمایی جرم در رسانه، مؤلفه‌ای مهم در افزایش ترس از جرم و عوام‌گرایی کیفری بوده که این مهم می‌تواند در اعمال و شیوه‌ی خشونت‌آمیز مجازات‌های تأثیرگذار باشد.

برای آزمون فرضیه یاد شده نویسنده‌گان به‌طور خاص حادثه قتل روح الله داداشی از ورزشکاران مشهور را که کودکی ۱۷ ساله در سال ۱۳۹۰ خورشیدی وی را

۱ اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۸۷)، گذار نظام کیفری اروپا؛ نفی زجر جسمانی احیای مجازات روانی نفی اعدام‌های خیابانی و آثار روانی آن در جامعه، مجله فردوسی، اسفند، ۱۶.

۲ در کنوانسیون‌های بسیاری «رفتار غیرانسانی» با متهمنان و مجرمان مذموم دانسته شده است. از جمله کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز مصوب ۱۹۸۴ در ماده ۱۶ دولت‌های عضو را معهود نموده از «اعمال وحشیانه، غیر انسانی و رفتارهای تحقیرکننده و اجرای مجازات‌هایی که مشمول تعریف شکنجه هستند» جلوگیری به عمل آورند. با این حال هرگز تعریفی از رفتار غیرانسانی به عمل نیامده و کنوانسیون‌ها و قوانین به یادآوری نمونه‌های آن اکتفا کرده‌اند.

۳ دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، رسانه و فرهنگ‌سازی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸، ص ۱۸۷.

۴. مگایر و همکاران (۱۳۸۹)، دانشنامه‌ی جرم‌شناسی آکسفورد، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک‌محمدی، ص ۲۸۲.

به دنبال درگیری با ضربه چاقو به قتل رساند مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله ابتدا به بررسی تأثیر اجرای علنی مجازات‌ها در پیشگیری از جرم پرداخته می‌شود و در ادامه رابطه‌ی بین ترس از جرم و عوام‌گرایی کیفری و نیز تأثیر رسانه‌ها در افزایش ترس از جرم بررسی می‌گردد. در پایان نیز به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پیمایش صورت گرفته خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

۱. پیشگیری کیفری از راه اجرای علنی مجازات با تأکید بر اجرای علنی مجازات مرگ^۱

حقوق دانان همواره سه هدف اصلی را برای مجازات بر می‌شمارند؛ ترساندن، سزاده‌ی و اصلاح. ترساندن به عنوان یکی از هدف‌های سه‌گانه‌ی مجازات‌ها، خود شامل ترساندن خاص و عام می‌گردد. در ترساندن خاص هدف ترساندن فرد مجرم به منظور پیشگیری از تکرار جرم از سوی وی است و در ترساندن عام هدف ترساندن جامعه و مجرمان احتمالی است. «قانون گذار با این تصور که ترس از مجازات سنگین ممکن است بزه کاران احتمالی را از اندیشه‌های شریرانه منصرف گردداند، با اجرای آن امیدوار است درس عبرتی به آنان داده باشد».^۲

از نظر تاریخی، مجازات‌ها در سده‌های میانی، با تأکید بیشتر بر جنبه‌های ترساندن و سزاده‌ی، به صورت علنی اجرا می‌شده‌اند. در این دوران مجازات‌ها شدید بودند و از قاعده و ضابطه‌ی مشخصی تبعیت نمی‌کردند. عدم تناسب میان فعل انجام شده و کیفر آن، به ویژه کیفر مرگ و شیوه اجرای آن که اغلب خفت‌بار بوده، از ویژگی‌های بارز این دوران است.^۳

۱- لازم به ذکر است که مباحث جرم‌شناسخی در زمینه‌ی اجرای علنی مجازات، به طور خاص مجازات مرگ مدنظر نویسنده‌گان می‌باشد تا اشکال دیگر اجرای علنی آن هم چون شلاق و یا گردنده مجرم در سطح شهر.

۲- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ص ۱۲۸.

۳- روت، میچل، تاریخ عدالت کیفری، ترجمه‌ی سانا ز استی (۱۳۸۵)، جلد نخست، صص ۱۳۰، ۱۳۳.

در اروپا اجرای علنی مجازات به عنوان ابزاری بازدارنده به شیوه‌های خشن و دهشتناک رواج داشت. میشل فوکو در سرآغاز کتاب «مراقبت و تنبیه، تولد زندان» اجرای مجازات سخت دامیین را که به پادشاه سوءقصد کرده بود، با ظرفات خاصی از دیدگاه‌های گوناگونی هم‌چون کار کرد سیاسی، سزاده‌ی و بازدارنده‌گی ترسیم می‌کند. وی در بخشی از کتاب در توصیف واکنش تماشاچیان به تعذیب مجرمی که از مخدوم خود چیزی را به سرقت برده بود، می‌نویسد؛ در شلوغی و ازدحام مراسم تعذیب، عده‌ای از جیب دیگران سرقت می‌کردند.^۱ موریس و روتنمن نیز در توصیف تأثیر اعدام و یا سکوی نمایش کیفر و واکنش مردم عامی چنین بیان می‌دارند: «عوام‌الناس [عموماً از میان] طبقه‌ی متوسط بودند ولی از طبقه‌ی پست و پایین جامعه باز هم عوام‌تر بودند. مثال این که در قرن هفدهم لیل آریزان شاوت در خاطرات خود می‌گوید که به‌طور مرتب به دیدن اعدام‌ها و اجرای دیگر کیفرهای سخت بدنه‌ی هم‌چون شلاق‌زدن و قطع عضو می‌رفته است. گرچه مردم عامی از تماشای مجازاتی که مقامات قضایی برای گناه‌کاران در نظر می‌گرفتند، لذت می‌بردند و راضی بودند، ولی عده‌ای هم واکنشی نداشتند، در دل، به توبه و استغفار معتقد نبودند و چه بسا در خفا، در جمع یاران صادق، مذهب، کلیسا، پاپ، و کشیش را به باد تمسخر می‌گرفتند. مأموران تفتیش عقاید به دنبال چنین اشخاصی بودند. مردم عامی منکر توبه و مغفرت نبودند. ایمان داشتند که از این واقعی در دنیا کم می‌توان درس اخلاق گرفت و با امید به رحمت خداوند، خانه‌ای در بهشت خرید؛ و عده‌ی کشیشیان این بود. بعضی می‌آمدند که فقط تماشا کنند. مردم طبقه‌ی پایین از آموزش و اخلاقی بی‌نصیب بودند و چون محکوم به مرگ روی دار تکان می‌خورد، مثل دیوانگان می‌خندیدند. اما بورزوها اخم می‌کردند و اندوه در نگاهشان می‌نشست، به خصوص هنگام اعدام قاچاقچیان، زیرا عقیده داشتند کیفر قاچاق، مرگ نیست».^۲

۱- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه، تولد زندان، ترجمه‌ی افسین جهاندیده و نیکو سرخوش (۱۳۸۹)، ص ۲۳.

۲- موریس، نورال، روتنمن، ج. دیوید، سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه‌ی غرب، ترجمه‌ی پرتو ناهید اشرف (۱۳۹۰)، چاپ اول، صص ۱۵۶ و ۱۲۶.

در ایران باستان نیز اعمال مجازات سخت و علنی وجود داشته است؛ به عنوان نمونه مرتکبان بعضی از جرایم از قبیل خیانت به دین و دولت را مصلوب می‌کردند. و یا در موردی، موبدی که متهم به خیانت به سلطنت شده بود، محکوم به مرگ از طریق گرسنگی شده، در بیابانی دور و بی آب و علف جان می‌سپارد.^۱ همچنین جنایت نسبت به یک دیگر از قبیل هتك ناموس، اذیت و آزار مردم، آدم‌کشی و دزدی جزای بدنی سخت و حبس و در مواردی اعدام را در پی داشت. اعدام عموماً با گردن زدن، دار زدن، لای دیوار گذاشت، سنگسار کردن، پوست کندن، و زیر پای پیل افکنند انجام می‌شده است. کور کردن هم یکی از مجازات‌های سخت بوده که در حق شاهزادگان یا غیر اجرا می‌شده است.^۲ به هر رو با تصرف ایران از سوی مسلمانان در زمان خلیفه‌ی دوم تغییراتی در انواع جرایم و شیوه‌ی اجرای مجازات‌ها پدید آمد.

از دیدگاه اسلام حقوق بر دو دسته‌اند: حق الله و حق الناس. در حق الله که اکثر حدود الهی را دربر می‌گیرد به استثنای مواردی مانند سرقت قبل از رجوع امر به حاکم، اصل بر اجرای علنی مجازات است؛ در آیه‌ی دوم از سوره‌ی نور بر این مطلب تأکید شده است.^۳ در این باره، آگاهی مردم از اجرای مجازات جهت عبرت آموزی مستحب دانسته شده است. شهید ثانی در این باره می‌گوید؛ هنگام سنگسار مستحب است تا مردم در صحنه حاضر شده و از سرنوشت گناه‌کار عبرت گیرند و آنان که چنین عملی را انجام داده‌اند و یا قصد انجام آن را دارند، با

۱- احمدی، محمد (۱۳۸۴)، قضایت در ایران باستان، رشد آموزش تاریخ، تابستان، شماره‌ی ۱۹، ص ۲۶.

۲- سامی، علی (۱۳۵۰)، دادرسی و قضایت در ایران باستان عهد هخامنشی، بررسی‌های تاریخی، فروردین و اردیبهشت، شماره‌ی ۳۱، ص ۲۶۱.

۳- برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک. شمس ناتری، ابراهیم (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم.

۴- ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰)، اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام، مجله‌ی رواق اندیشه، اسفند، ص ۵۰.

مشاهده‌ی مجازات از این عمل متنfer شوند و به این دلیل است که در سوره‌ی نور خداوند فرموده است: «باید کیفر ایشان را طایفه‌ای از مومنان نظاره‌گر باشند.^۱»^۲ نخستین اندیشمند غربی که درباره اجرای مجازات اظهار عقیده نمود، سزار بکاریا بود. وی در «رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها» که در سال ۱۷۶۷ میلادی منتشر شد اظهار داشت مجازات باید حتمی و اجرای آن سریع و آشکار باشد و دلیل این امر را جلوگیری از خودکامگی حاکمان دانست. وی معتقد بود: «حتمی بودن عقوبیتی حتی معتل همیشه تأثیری شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد به جا می‌گذارد».^۳ عقاید بکاریا تأثیری شگرف بر نظریه پردازان مکتب کلاسیک داشت به‌طوری که این مکتب بیشتر آرای خود را از نظریات این اندیشمند وام گرفت. اصلاحاتی که در این مکتب در خصوص مسئولیت برابر افراد در برابر قانون ایجاد شده نیز منجر به پذیرش برخی کیفیت‌های کاهنده درباره کودکان و دیوانگان گردید. با این

۱- الجبی العاملی، زین الدین، الروضه البهیه فی شرح الملمعه الدمشقیه، ترجمه‌ی علی شیروانی (۱۳۸۴)، جلد سیزدهم، دارالعلم، چاپ چهارم، صص ۶۳ و ۶۴.

۲- اجرای علنی مجازات‌ها در حدود، مخصوص به سنگسار نیست. در سایر جرایم همچون سرقت و یا جماع با حیوان نیز روایت وجود دارد. در روایتی چنین آمده است: اگر کسی به وسیله حیوان از خود دفع شهوت نماید، باید آن حیوان کشته و سوزانده شود و به مرتكب عمل نیز ۲۵ ضربه شلاق زده شود. راوی از امام (ع) می‌پرسد که گناه حیوان چیست؟ حضرت می‌فرماید: حیوان بی‌گناه است، ولی رسول اکرم (صل‌الله) این عمل را انجام داد تا مردم جرأت پیدا نکنند با حیوانات از خود دفع شهوت نمایند و در نتیجه نسل بشر قطع گردد (جمعی از نویسنده‌گان (۱۳۸۶)، تعزیرات: از دیدگاه فقه و حقوق جزا، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، زمستان، ص ۵۷ و ۵۸).

امام علی علیه السلام نه تنها مردم را از اجرای حد آگاه می‌ساخت، بلکه به آن‌ها دستور می‌داد تا در مراسم اجرای حد شرکت نمایند. طبق برخی از روایات، وقتی آن حضرت تصمیم گرفت حد را بر مردی که به زنا اقرار کرده بود، اجرا کند، با فریاد بلند اعلام فرمود: «یا عشر المسلمين آخر جواب لیقامت علی هذا، الحد و لا یعرف أحد کم صاحبه فاخوجه إلى الجبان»؛ یعنی: ای جمیعت مسلمین، بیرون بیایید تا بر این مرد زناکار، حد جاری شود و به گونه‌ای بیرون بیایید که کسی شما را نشناسد (تا اگر حد مشابهی بر گردن شما بود و به خاطر آن از شرکت در اجرای حد منع بودید، نزد دیگران آبروی شما محفوظ بماند). سپس امام علی علیه السلام آن مرد را به سوی میدان بزرگی کشاند تا حد را در ملاعام اجرا نماید (ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰)، اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام، اسفند، شماره‌ی ۶، رواق اندیشه، ص ۴۷).

۳- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه‌ی محمدعلی اردبیلی (۱۳۸۰)، صص ۹۸ و ۹۹.

حال، اين انديشه اصلاحی که بعدها نئوکلاسيک نام گرفت، تغيير خاصی در روند علنی اجرای مجازات ها به وجود نياورد.

در پی جنبش علمی بیست و پنج سال آخر قرن نوزدهم و ظهور مكتب تحقیقی ایتالیایی، روند متفاوتی نسبت به گذشته در پیش گرفته می شود. چاپ کتاب لمبروزو به نام «مرد بزه کار» در سال ۱۸۷۶ میلادی عصر علمی نوینی را می گشاید. این پژشك، انسان شناسی جنایی را بنا می نهد. در ادامه یک استاد حقوق کیفری به نام انریکوفری جامعه شناسی جنایی را بنیان می گذارد و یک قاضی به نام گاروفالو، تحلیلی بر مبنای این دو رشته نو ظهور در کتابی که بی باکانه آن را «جرائم شناسی» می نامد، ارائه می دهد. آنان در همان آغاز در نظر داشتند که در قالب پژوهشی چند رشته ای، شیوه ای علمی در برخورد با پدیده جنایی پایه گذاری کنند تا بعدا بتوانند واکنش اجتماعی در برابر جرم را به گونه ای عقلایی سازمان بخشند. این نوآوران قبل از هر چیز به نظام سنتی سر کوب جرم به شدت اعتراض داشتند و مصمم به افشاری ناکارآمدی آن بودند و آن را در تأمین حمایت از جامعه در برابر جرم ناتوان می دانستند.^۱ در اکثر دیدگاه هایی که پس از این دوران مطرح شده، همانند نظریه های فشار و بوم شناسی، هیچ گونه تأکیدی بر اجرای علنی مجازات وجود ندارد، به گونه ای که حتی دیدگاه بر چسب زنی که در خلال دهه ۱۹۶۰ میلادی پدیدار گردید، اجرای مجازات را سبب بدنامی فرد و زمینه ای برای ارتکاب جرم ثانویه - دانست و پیشنهاد کرد واکنش در برابر جرائم متوسط و سبک مبتنی بر اصل عدم مداخله ببنیادی یا دست کم، کمترین مداخله باشد.^۲

با اين حال، از دهه ۱۹۸۰ میلادی با روی کار آمدن مارگارت تاچر در انگلستان و رونالد ریگان در ایالات متحده آمریکا، بار دیگر انديشه ای «نظم و قانون» و «جنگ علیه جرم» که نوعی بازگشت به عقاید مكتب کلاسيک بود، رونق

۱- رجحان، سعید (۱۳۷۶)، مجازات یا دفاع اجتماعی یا بازپروری مجرم، دیدگاه های حقوق قضایی، بهار و تابستان، شماره ۵ و ۶، صص ۱۱۵ و ۱۱۶.

۲- وايت، راب؛ فيونا، هيمنز، جرم و جرم شناسی، ترجمه على سليمي (۱۳۹۰)، ص ۱۸۸.

گرفت.^۱ در همین راستا با تأکید بر مفهوم «ما» در مقابل «آنها» (مجرمان) بار دیگر بر ضرورت مجازات تأکید شد. این دیدگاه در خطرناک جلوه دادن پدیده‌ی مجرمانه اغراق می‌نمود و تصویری مبالغه‌آمیز از مجرم ارایه می‌داد؛ طوری که مجرم را موجودی بیگانه از جامعه می‌دانست که باید مجازات شود.^۲ همین دیدگاه‌ها زمینه را برای توسل به اقدامات پیش‌دستانه در مقابله با جرم، همانند سیاست پرهیز از هرگونه مدارا^۳ و حبس ابد در برخورد سوم که با تعییر «قانون سه ضربه و سپس اخراج از جامعه»^۴ در برخی ایالات امریکا به اجرا درآمد، فراهم کرد. پیداست این

۱ - همان، ص ۲۹۱ و ۲۹۳.

۲ - همان، ص ۲۹۵.

۳ - پرهیز از هرگونه مدارا و یا سیاست کیفری تحمل صفر (Zero-Tolerance)؛ این راهبرد که در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی در راستای مبارزه با مصرف و قاچاق مواد مخدور به وجود آمد، بر اجرای مجازات‌های خشن و غیرقابل انعطاف علیه متخلفان تأکید می‌کند. اگرچه تعریف مورد اجماعی از این را بر وجود ندارد، از نگاه مرکز ملی آمارهای آموزشی (The National Center on Educational Statistic)، سیاستی است که پیامدها و مجازات‌های از پیش تعیین شده‌ی جرایم خاصی را مدیریت می‌کند. رک. Wayne Lee, Steven (2005),

Encyclopedia of School Psychology, SAGE, U.S.A., p. 599

۴ - شیوع ترس از جرم در اوخر دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی منجر به حمایت روزافزون شهر وندان و اشنگن از پاسخی کیفری مبنی بر سه ضربه و سپس اخراج (Three Strikes and You're Out) شد. در این راستا شهر وندان عمل کرد قانون گذار رویه‌ی قضات را در برخورد با مجرمان حرفه‌ای ناکافی می‌دانستند. رویکرد سه ضربه و سپس اخراج، این اطمینان را به شهر وندان می‌دهد که تکرار کنندگان جرم در بار سوم تا مدت طولانی دور از جامعه نگه‌داری خواهند شد. در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ میلادی، ۲۴ ایالت قوانین مبنی بر این فلسفه‌ی کیفری تصویب نمودند. در این زمینه ویلسون (Wilson) فرماندار وقت کالیفرنیا چنین بیان داشت: در نهایت باز و بسته شدن درهای عدالت (به دلیل آمد و شد تکرار کنندگان جرم) به پایان رسید، زیرا چنین رویکردی حاوی پیامی است صریح مبنی بر این که مجرمان حرفه‌ای به زندان‌های حرفه‌ای فرستاده خواهند شد! برای فهم بهتر این رویکرد کیفری که برخاسته از مشکل جرم بود، می‌بایست چند پرسش مطرح شود؛ این که اخراج چه معنایی دارد؟ این که چنانچه این رویکرد را در قالب بازی بیسبال بیریم، اخراج تا چه زمانی ادامه دارد؟ و در نهایت این که تعداد ضربه چند عدد بوده و محل برخورد ضربه چه کسانی هستند؟ باید بیان داشت که پاسخ به پرسش‌های مزبور در هر ایالت متفاوت است؛ به عنوان مثال در ایالت کانکتیکت (Connectict) محل یا هدف ضربه مرتكبان جرایمی چون قتل عمدى، شروع به قتل عمدى، قتل غیرعمد، تهدید به قتل، آتش‌سوزی عمدى، آدم‌ربایی، تجاوز جنسی، سرقت و تعرض و حمله درجه اول هستند. در این ایالت ارتکاب هر جنایت به معنای یک ضربه محسوب می‌شود؛ چنان که در جنایت دوم مجازات حبس تا ۴۰ سال علیه مرتكب اعمال می‌شود و ضربه سوم یعنی تکرار جنایت برای بار سوم می‌تواند مستوجب حبس ابد باشد. در ایالت کانزاس (Kansas) ارتکاب هر جنایت موجب دوباره شدن شرایط خاصی است که محکوم باید در مدت محکومیت انجام دهد؛ به این ترتیب در ارتکاب جنایت برای بار سوم شرایط سه برابر شدیدتر می‌شود؛ این شرایط ادامه در صفحه بعد

دست گرایش‌ها بیشتر به «ترساندن» و «سزاده‌ی» مجازات نظر داشتند تا اصلاح مجرم. اگرچه در چارچوب این گرایش آخر، شاهد اجرای علنی مجازات نیستیم، اما نمی‌توان تأکید خاص آن را بر بازتاب اجتماعی مجازات و گونه‌ای نمایش ترساندن و سزاده‌ی نادیده گرفت.

در مقابل این دیدگاه و در واکنش به آن، دیدگاه دیگری مطرح گردیده که به جای الگوی کیفری، استفاده از الگوهای ترمیمی و احیاگر را درباره مجرمان توصیه می‌کند. این دیدگاه واکنش تلافی‌جویانه نسبت به مجرم را به کلی کنار می‌گذارد و در عوض کانون تمرکز خود را بر جبران خسارات مادی و معنوی بزه‌دیدگان قرار می‌دهد و از این رو به طور کلی با نظام مجازات کلاسیک و از جمله اجرای علنی مجازات مخالف است.^۱

به هر رو مکاتب و نظریه‌های مختلف جرم‌شناسی دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به اجرای علنی مجازات مرگ، به عنوان ابزاری بازدارنده ابراز داشتند، دیدگاهی که ریشه در اندیشه‌ی آنها درباره اصل مجازات و اهداف آن دارد. اصولاً به جز شمار اندکی، دیگر نظریه‌ها را می‌توان مخالف اجرای علنی مجازات مرگ برشمرد.^۲ در مقام ارزیابی این مخالفت باید گفت اگرچه عموماً به «ترساندن» و بازدارندگی اجرای علنی مجازات مرگ اشاره می‌شود، اما پذیرش این توجیه خالی

می‌تواند انجام کارهای عام‌المنفعه و یا مجازات‌های تکمیلی دیگری باشد. (منبع: Jones E. Nolan (2003), Three Strikes and You're Out: A Symbolic Crime Policy: Crime Control and Social Justice: The Delicate Balance, Greenwood Press, U.S.A., p .56)

۱- غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، تهران: سمت، ص ۱۲. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه رک. کارولین هویل، عدالت ترمیمی، بزه‌دیدگان، و پلیس، ترجمه محمد بارانی، حمیدرضا نیکوکار (۱۳۹۱)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره‌ی ۲۳، تابستان.

۲- از زمان بکاریا اجرای مجازات اعدام مورد تردید قرار گرفت. بکاریا معتقد بود اعضای جامعه در قالب قرارداد اجتماعی «قسمتی» از حقوق خود را به کیفر اعدام انجام داد. وی بیست و هفت دلیل برای برتری زندان بر اعدام اقامه می‌کند. گیزو، رسی، ویکتور هوگو و لامارتین نیز از دیگر اندیشمندانی هستند که به این مجموعه پیوستند و به این نهضت فکری الغای مجازات اعدام پایه‌گذاری شد (منبع: پاکنهاد، امیر (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی مجازات اعدام در حقوق ایران، در: دایرهالمعارف علوم جنایی، جلد دوم، میزان، ص ۱۰۴۳)

از اشکال نیست، زیرا عوامل بسیاری در ارتکاب جرم دخیل هستند؛ طوری که باید اذعان داشت «ترساندن» تنها یکی از عوامل در کنار دیگر عوامل است که در ذهن مجرم حسب مورد به عنوان نکات مثبت و منفی برای ارتکاب جرم مورد توجه قرار می‌گیرند. برای نمونه پیش‌فرض این دیدگاه که اعدام نسبت به هر کیفر دیگری بازدارنده‌تر است، چنین است که قاتل محاسبه سود و زیان کرده و از انجام قتل خودداری می‌کند. اما بر اساس یک تخمین، تقریباً سه‌چهارم قتل‌ها، انگیزه‌ی آتی دارند و در حالت خشم و هنگام درگیری رخ می‌دهند. البته ممکن است مجازات اعدام به ویژه اجرای علنی آن در برخی موارد به عنوان عاملی بازدارنده عمل کند، ولی تشخیص این که بازدارنده‌گی اش در چه موقعی سودمند است دشوار است.^۱ همچنین شواهد اندکی در دست است که زندان طولانی مدت قاتلان آنی، کمتر از اعدام اثر بازدارنده دارد.^۲ همان‌گونه که گولوله^۳ می‌گوید: «بعید است بتوان تصور کرد که در یک کشور متمن تعدادی قاتل بالقوه صفت بسته و برای ارتکاب قتل فقط منتظر لغو مجازات اعدام باشند و یا بر عکس!».

۱- «اجرای علنی مجازات دارای آثار سویی است که به هیچ وجه قابل چشم‌چوشی نیست، از جمله این آثار عبارتند از: ۱. اجرای علنی مجازات، موجب تشدید خشونت طبی در جامعه شده و اثرات روانی نامطلوبی بر افراد، به ویژه زنان و کودکان در صحنه‌ی اعدام می‌گذارد. ۲. اجرای علنی اعدام علاوه بر آثار سوء اجتماعی آن، نسبت به خود مرتكب نیز مجازات ماضعفی محسوب می‌شود. به علاوه با اجرای علنی اعدام و حتی مجازات‌های دیگری چون شلاق، آثار ترذیلی آن دامن‌گیر خانواده و حتی فرزندان می‌شود. ۳. اجرای علنی اعدام گاه موجب ایجاد احساس همدلی نسبت به مجرم می‌شود. فوفکو در این زمینه چنین بیان می‌دارد که: این ظن وجود داشت که این آینین کیفری که به جرم پایان می‌بخشد، خود خوبی‌شاؤندی‌های مشکوکی با جرم داشته باشد، به عبارتی دیگر اگر نگوییم این آینین در وحشی‌گری از خود جرم پیشی می‌گرفت، دست کم با آن برابری می‌کرد و تماساًگران را به درنده‌خوبی و وحشی‌گری که می-خواست آنان را از آن بازدارد، عادت می‌داد، فراوانی جرم‌ها را به تماساًگران نشان می‌داد، جlad را به مجرم و قاضی را به جایتکار تشبیه می‌کرد و در واپسین لحظه‌ی زندگی محکوم نقش را وارونه می‌کرد و محکوم تعذیب شده را به فردی مورد ترحم و تحسین بدل می‌ساخت» (منبع: پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲)، آسیب‌شناسی مجازات اعدام در حقوق ایران، در: دایره المعارف علوم جنایی، جلد دوم، میزان، ص ۱۰۵۶، ۱۰۵۷).

۲- یان، مارش، جامعه‌شناسی مجازات، ترجمه‌ی محمدعلی کربیمی (۱۳۸۴)، مجله دانش انتظامی، ص ۱۹۷.

3 Gold.

۴- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، کنکاشی در تأثیر ارتعاب مجازات اعدام، مجله دادرسی، فروردین و اردیبهشت، ص ۸

تردید درباره بازدارندگی مجازات اعدام به حدی بوده که در دهه‌های اخیر حتی در ایالات متحده‌ی آمریکا که هنوز مجازات اعدام در بسیاری از ایالات آن اجرا می‌شود، دیوان عالی در این ایالات، در اجرای اعدام تردید کرده است. همچنین در ایالتی چون نبراسکا^۱ قانونی مبنی بر مهلت دو ساله برای اجرای حکم اعدام وضع شده است.^۲ این نمونه در کنار این واقعیت که در دوازده ایالت آمریکا مجازات مرگ ملغی شده است گویای افول دیدگاه‌های حامی مجازات مرگ است.^۳

در این میان پرسش مهم آن است که آیا در مقابل آثار منفی اعدام و اجرای علی آن که ثابت شده هستند، احتمال بازدارندگی، آن چنان قوی هست که بتوان اجرای این مجازات در حضور بینندگان را توجیه کرد؟!

۲. عوام‌گرایی کیفری و ترس از جرم

انتظارات عمومی بر ماهیت و شکل قوانین تأثیر می‌گذارد. قوانین نیز به نوبه‌ی خود می‌توانند این انتظارها را در جهتی معین به حرکت درآورند. انتظارات مردم معمولاً ناشناخته، مبهم و غیرمشخص است. آن قسمت از این انتظارات که به خرد جمعی نزدیک‌تر شود، معین و مشخص گردد و در حیات اجتماعی متظاهر باشد، عقیده‌ی عمومی را تشکیل می‌دهد. در حقیقت انتظارات مردم، هم متضمن عقاید عمومی آنها است و هم تمامی احساسات و عواطف آگاهانه و ناخودآگاه دیگر را به که صورت مشخص و فعال در نیامده است شامل می‌گردد. رابطه‌ی عقیده‌ی عمومی و قانون را می‌توان در سه مرحله‌ی مختلف مطالعه کرد. نخست می‌توان بررسی کرد که عقیده عمومی چگونه در پیدایش قوانین مؤثر است و همین طور به تأثیر متقابل قوانین در به وجود آمدن عقیده‌ی عمومی توجه کرد؛ دوم می‌توان تأثیر عقیده‌ی عمومی را در قضاوت

1 Nebraska.

2 Dezhbakhsh, Hashem; Rubin H. Paul; Shepherd M. Joanna (2002), Does Capital Punishment Have a Deterrent Effect?, New Evidence from Post Moratorium Panel Date, Department of Economic, and, Emory University, p .1.

3 Ibid., p .5.

دادگاهها مطالعه کرد. قاضیان نیز مانند دیگر اعضای جامعه، زیر تأثیر افکار زمان خود قرار می‌گیرند و بی‌گمان عقیده آنان نسبت به مسایل مختلف در چگونگی برداشت و تفسیر آنها از قوانین تأثیر مستقیم دارد؛ سوم می‌توان تأثیر عقیده عمومی را در شیوه اجرای قوانین و اجرای احکام دادگاهها مطالعه نمود.^۱

دیدگاه عموم یک متغیر کلیدی در شکل‌دهی پاسخ به جرم و بی‌نظمی بوده و از این رو بسیاری اظهار می‌دارند که از دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی دیدگاه عموم نسبت به حقوق و نظم تأثیر به‌سزایی بر سیاست کیفری و به‌ویژه بر میزان مجازات گذاشته است. دیدگاه شهر و ندان ممکن است با نظر سنجی‌های اینترنتی، پیمایش توسط پژوهشگران و یا گاهی از راه فشار مستقیم بر مجازات‌کنندگان آشکار گردد.^۲

یکی از مهم‌ترین آثار ترس از جرم در حوزه‌ی نظام دادگری کیفری مقوله‌ی سزاگرایی^۳ عوام‌گرایانه و یا عوام‌گرایی کیفری است. مقوله‌ای که نوعی الگوی فلسفی مجازات بوده که معتقد است بزه کار می‌بایست مجازات شود تا «انتقام» بزه دیده ستانده شود.^۴ به طور خلاصه، عوام‌گرایی کیفری شامل تعقیب سیاست‌های کیفری برای جلب نظر و رضایت مردم، به جای توجه کارشناسانه به کاهش نرخ جرم و گسترش دادگری است.^۵

چنانکه گفتیم از جمله عوامل مهمی که می‌تواند بر عوام‌گرایی تأثیر به‌سزایی داشته باشد ترس از جرم است؛ ترس از جرم می‌تواند در تقاضای جرم‌انگاری یا اعمال مجازات سنگین‌تر مؤثر باشد. شاید دلیل این مهم، دیدگاه منفی افراد نسبت به

۱- صانعی، پرویز (۱۳۸۱)، حقوق و اجتماع: رابطه‌ی حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران: طرح نو، صص ۳۳۳ و ۳۴۲.

2 Easton, Susan, Piper, Christine (2005), Sentencing and Punishment: the Quest for Justice, Oxford University Press ,U.S.A, p. 17.

3 Retribution.

۴- غلامی، حسین (۱۳۹۰)، تکرار جرم: بررسی حقوق و جرم شناختی، میزان، ص ۳۰۴.

۵- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، سیاست کیفری عمل گرا و عوام‌گرای، تغیرات درس: دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، ص ۳۴.

خطرات بزه دیدگی باشد. پس با افزایش احساس خطر بزه دیدگی، افراد چنین می- پندارند که مجازات سنگین می‌تواند مؤلفه‌ای مهم برای پیشگیری و حذف پدیده‌ی جنایی باشد. این تقاضای همگانی همان بازگشت به مجازات‌های سختی است که پیش‌تر «جنبش انسان‌مداری دادگری کیفری» در صدد تلطیف، تعدیل یا حذف آن بود.^۱ البته مطالب یادشده، تنها بینشی فکری است، و باید پذیرفت که پژوهش‌های تجربی در این زمینه چندان شفاف و واضح نیست. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میان ترس و سزاگرایی ارتباط مثبتی وجود دارد، در حالی که پژوهش‌های دیگر این ارتباط را ضعیف می‌دانند یا آن را رد می‌کنند. پژوهش‌های اخیر اظهار می‌دارند که گرایش به سزاگرایی و سیاست‌های حقوقی در موضوعات کیفری مانند مواد مخدر یا مبارزه با گروه‌های تبهکاری شیوع یافته است، اما در این که آیا ترس، عامل مؤثری در سزاگرایی افراد تلقی می‌شود یا خیر، اجتماعی نیست.^۲

۳. رسانه و ترس از جرم

در بیشتر پژوهش‌های بزه دیده‌شناسی، پیمایش به عنوان نقطه تمرکز در نظر گرفته شده است. با این روش مطالعاتی، تجربیات بزه دیده، شیوه‌ی رویارویی با این تجربیات، واکنش‌های روان‌شناختی چون ترس از جرم و شیوه و میزان تأثیر متغیرهایی مانند اخبار رسانه‌ها، گردآوری، تحلیل و واکاوی می‌شود. در نتیجه‌ی این پیمایش‌ها بود که به پدیده‌ی ترس عموم از جرم و پیامدهای آن بیش از پیش توجه

۱- کاشفی اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی، مجله‌ی تخصصی الهیات و حقوق، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸.

2 Nellis, M. Ashlei; Lynch, P.James (2008), Crime, Fear, and the Demand For Punishment in the United State, Brockmeyer Verlag, pp. 36-37.

✓ برای نمونه، پژوهش در میان ۲۰۰ دانشجوی برخی دانشگاه‌های تهران نشان داده است، ترس از هر جرم منجر به حمایت بیش‌تر از سزاده‌ی نسبت به همان جرم می‌گردد (منبع: نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه‌ی بین ترس از جرم و گرایش به سزاگرایی در میان دانشجویان، در: رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم، جلد دوم، تهران: روان‌شناسی و هنر»).

شد.^۱ پدیده‌ی ترس از جرم تحت تأثیر متغیرهای بسیاری هم‌چون سن، جنسیت، در اقیت بودن، درآمد، رسانه و ... است. رسانه از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ترس از جرم است، به طوری که یکی از موضوعهای بنیادین جرم‌شناسی‌های انتقادی در دهه‌ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، قدرت رسانه‌های جمعی در برانگیختن ترس علیه جرم بود.^۲ این تأثیر چنان بوده که برخی صاحب‌نظران ادعا کرده‌اند؛ «تمام افرادی که به مطالعه درباره‌ی جرم و عدالت پرداخته‌اند نسبت به تسلط تصاویر رسانه‌ای بر دیدگاه‌های رایج درباره جرم و عدالت کیفری، و تحریف واقعیت که اغلب در این رسانه‌ها رخ می‌دهد ابراز ناامیدی کرده‌اند».^۳

رسانه‌های جمعی – روزنامه، تلویزیون، رادیو و به تازگی اینترنت – نقشی کلیدی در افزایش اهمیت اجتماعی جرم ایفا کرده‌اند. ظاهراً روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های جمعی تمایل دارند افزایش نرخ جرم را پررنگ و کاهش آن را بی‌اهمیت جلوه دهند. اما شاید بیشترین تأثیر رسانه‌ها بر اضطراب و به‌طور کلی دیدگاه عمومی نسبت به جرم، انتشار گزارش‌های اغراق‌آمیز از جنایات بهت‌آور و مهیج باشد؛ رسانه‌ها بیشتر به رخدادهایی توجه دارند که پیامدهای ناگواری دارند، از نظر اخلاقی محکوم‌اند و کاوش و تشریح آنها دشوار است. سانشتاین^۴ معتقد است بازنمایی مخاطرات در رسانه‌ها باعث بروز اثری همچون ورود آبشار خروشان در یک جوی، در کل جامعه می‌شود، چرا که با این شیوه‌ی بازنمایی، افراد بیشتری امکان آگاهی از رخدادهای مجرمانه را پیدا می‌کنند. در این میان جرایم شنیع بیشتر مورد توجه جامعه قرار گرفته و اخبار آن پخش می‌شود و فرایند «قطبی شدن گروهی» باعث می‌شود مردم درباره برخی رخدادها و خطرات خاص با یک‌دیگر بحث و گفت‌وگو

۱- نیکوکار، حمیدرضا؛ یاراحمدی، مسعود (۱۳۹۱)، تأثیر روی کردهای پلیس سنتی و جامعه‌محور در کاهش ترس از جرم، فصلنامه مطالعات پیش‌گیری از جرم، ص ۱۵۷.

۲- همت‌پور، بهاره؛ نیکوکار، حمیدرضا، بازنمایی جرم در مطبوعات، در حال چاپ.

۳- ستونس ج. دنیس، رسانه و عدالت کیفری؛ تأثیر بازنمایی جرم، ترجمه‌ی احمد رضا علیزاده و نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۹۲)، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، ص ۲۷.

کنند و در نهايٰت بسياري افراد ديدگاهی افراطي نسبت به جرم و خطرات آن پيدا کنند.^۱ پيامد محظوم اين وضعیت تهییج احساسات عمومی و در نتیجه تقاضای بیش از پيش برای برخورد با مجرمان و اعمال مجازات‌های سنگین است.

پژوهش‌های انجام شده درباره تأثير اخبار رسانه‌ها بر ايجاد و گسترش ترس از جرم نتایج درهم آمیخته‌ای داشته‌اند. در پژوهش گربنر^۲ و همکارانش، فرض بر اين بود که تماسای زياد رفتارهای خشن در تلویزيون منجر به افزایش ترس می‌شود تا بروز رفتارهای پرخاش گرانه. پژوهشگران بر اين باورند که تماسای صحنه خشن یا خواندن گزارش رویدادهای خشن منجر به ترسیم يك «جهان‌بینی بی‌ارزش» از واقعیت در ذهن مخاطبان می‌شود. جهان‌بینی‌ای که با ویژگی‌هایی چون بی‌اعتمادی، بدینی، بدگمانی و درك بالاترین حد معمول تهدید جامعه توسط جرم شناخته می‌شود. در مقابل رايis و اندرسون^۳ ارتباط ميان يينندگان تلویزيون و ترس از جرم را مثبت اما ضعيف دانسته‌اند. هيث و گيلبرت^۴ بر اساس ویژگی‌های پیام و مخاطبان آن متوجه ارتباط ميان بازنمياني رسانه و جرم شده‌اند. يافته‌های پژوهشی دالر^۵ يان گر آن است که بازنمياني ترس از جرم بيشتر در اخبار جرائم جنسی اتفاق می‌افتد تا جرایمی همچون آدم‌کشی و سرقـت.^۶

شرح پیمايش

روح الله داداشی که ورزشکاری شناخته شده بود در تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۰ خورشیدی در پی يك نزاع خیابانی با سلاح سرد به قتل رسید. حادثه قتل او که توسط مطبوعات با رویکردها و زوایای مختلفی به تصویر کشیده شد، به نظر ترس

۱ - فارال، استفن؛ جکسون، جاناتان؛ گری، اميلی، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، در حال چاپ.

2- Gerbner.

3- Rice and Anderson.

4- Heath and Gilbert.

5- Dowler.

6- نیکوکار، حمیدرضا؛ همتپور، بهاره (۱۳۹۱)، ترس از جرم، ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

عموم از جرم قتل را افزایش داد. با توجه به فضای ایجاد شده در جامعه ایرانی در پی حوادث جنایی منجر به قتل،^۱ مرتكب این رخداد در هفده سالگی پس از ۶۵ روز در ملاً عام به چوبه دار آویخته شد.

هدف از انجام پژوهش پیش رو گردآوری و سپس بررسی دیدگاه عموم نسبت به مجازات مرگ به ویژه اجرای علنی مجازات مرگ با روش تحلیلی و مقایسه‌ای بوده است. به این منظور و با انتخاب حادثه قتل روح الله داداشی از روش پیمایشی به صورت توزیع پرسشنامه به مدت ۲ ماه از تاریخ مهر ۱۳۹۰ خورشیدی استفاده شد. نمونه آماری این تحقیق ۲۲۵ نفر از شهروندان تهرانی در سن‌های مختلف بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها نقش فعال‌تر روزنامه‌ها و تلویزیون را در مقایسه با جمع خانواده، دوستان و آشنايان در راستای خبرسازی و گفتگو درباره‌ی مسائل مبتلا به، ثابت می‌کنند. برای نمونه، چون این روزها فضای جامعه زیر تأثیر گزارش رسانه‌ها بیشتر تحت تأثیر اختلاس و القاءات ناشی از آن است، بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد‌داند که جرم اختلاس نسبت به سال‌های قبل فزونی یافته است. پاسخ شرکت کنندگان در پیمایش نشان می‌دهد هفتاد درصد زنان و شصت و چهار درصد مردان، اخبار و حوادث جنایی را پیگیری می‌کنند. روزنامه‌ها بیشترین سهم و دوستان و خانواده کم‌ترین سهم را در این اطلاع‌رسانی به خود اختصاص داده‌اند.

در این پژوهش، ارتباط میان جنس و نوع جرم، بیان‌گر این نکته است که نگرانی مردان نسبت به زنان از این که قربانی ضرب و جرح و یا قتل شوند بیشتر است؛ این در حالی است که زنان بیشتر نگران تعرضات جنسی هستند. اما ترس پرسش شوندگان از جرم قتل عمد چندان بالا نیست، به طوری که در میان هفت جرم

۱- حوادثی چون قتل‌های ناموسی در منطقه سعادت‌آباد و پل مدیریت و یا تجاوز جمعی به زنان در اصفهان .(ir.khabarfarsi.com)

پرسش شده، جرم قتل عمد در میان زنان در ردیف آخر و میان مردان در ردیف ششم است.

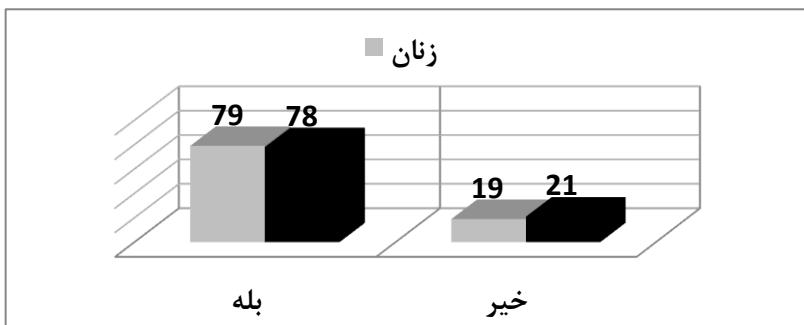
توجه به مبانی استدلالی و شواهد تجربی برای انتخاب نوع و شیوه اجرای مجازات، به عنوان ابزاری پیش گیرانه، از اصول نظام دادرسی در هر کشوری است. چنان‌چه عموم مردم نوع و یا شیوه اجرای مجازاتی را غیرعادلانه یا غیرمؤثر و ناکافی بدانند، آن مجازات نه تنها نقش مشتبی در پیشگیری از جرم نخواهد داشت، بلکه چالشی اساسی را نیز در این راستا پدید می‌آورد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد که هفتاد و یک درصد از زنان و شصت و دو درصد از مردان معتقد بودند که مجازات در کل و تا حدودی می‌تواند مجرم را اصلاح و بازاجتماعی کند، بهویژه این که چهل و یک درصد از زنان و شصت و یک درصد از مردان در پژوهش انجام شده معتقد به سرعت اجرای مجازات در راستای بازدارندگی آن بوده‌اند.

یافته‌های پیمایش اخیر درباره قتل با تصمیم قبلی نشان می‌دهد که دیدگاه اکثر جامعه موافق با اعدام است؛ به عبارتی هفتاد و یک درصد از مردان و هفتاد درصد از زنان مجازات اعدام را درباره قتل با سوءیت قبلی عادلانه می‌دانند، در حالی که تنها چهار درصد از زنان و هشت درصد از مردان موافق اجرای اعدام در ملاً عام برای قتل بدون قصد قبلی بودند. در مقام مقایسه، میان پاسخ شرکت‌کنندگان باید گفت تمایل عمومی برای سزاده‌ی این نوع جرم، نسبت به دیگر جرایم مورد پرسش از جمله تعماز جنسی بیشتر بوده است. اما درباره جرم قتل عمد بدون تصمیم قبلی، مناسب‌ترین مجازات از نظر شرکت‌کنندگان در پیمایش مجازات زندان دانسته شده است. در زمینه‌ی مصرف مواد مخدر انتخاب رویکردهای ترمیمی‌بیش از رویکردهای سزاده‌ی بوده و در زمینه ریختن مقدار قابل توجهی از زباله در مجاورت رودخانه، انتخاب جزای نقدی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. همچنین است مجازات زندان برای جرایم ضرب و جرح و سرقت از منزل. پاسخ‌ها نشان می‌دهد میان ترس زنان از جرم تعماز جنسی و ضروری دانستن اجرای مجازات اعدام در ملاً عام برای این رفتار مجرمانه، رابطه معناداری وجود دارد این در حالی

است که میان ترس از جرم قتل عمد و ضرورت اعمال اعدام در ملأ عام هیچ رابطه‌ی معناداری و در نتیجه رویکرد سزاده‌ی وجود ندارد. همچنین با توجه به حادثه قتل روح الله داداشی که قتل غیرعمد و بدون سبق تصمیم بوده است و پاسخ شرکت‌کنندگان در پیمایش که چندان موافق اعدام قاتل این دست جرایم در ملأ عام نیستند (تنها ۴٪ زنان و ۸٪ مردان موافق اعدام در ملأ عام بودند) می‌توان گفت اصولاً جامعه خواستار اعدام قاتل روح الله داداشی در ملأ عام نبوده است.

شهروندان صرف نظر از نوع و شیوه اجرای مجازات، تردیدهایی درباره کارآمدی آن، در پیشگیری از جرم دارند؛ از این‌روست که تنها بیست و شش درصد زنان و پنجاه و یک درصد مردان موافق تأثیر مجازات در پیشگیری از جرم بوده‌اند. نکته‌ی جالب توجه این که با وجود تردید درصد قابل توجهی از پرسش‌شوندگان نسبت به تأثیر اجرای مجازات در ملأ عام، آنها مناسب‌ترین مجازات را برای جرم تجاوز جنسی و قتل عمد با سبق تصمیم، اجرای اعدام در ملأ عام می‌دانند. در همین ارتباط بیست و چهار درصد زنان و چهل درصد مردان شدت مجازات را در جلوگیری از جرم مؤثر می‌دانند. نکته‌ی قابل تأمل در این موضوع، بازتاب افکار جامعه درباره تأثیر اجرای علنی مجازات در بستر جامعه است. نتایج به دست آمده در تحقیق یادشده نشان می‌دهد که تنها ۴٪ از زنان و ۶٪ از مردان معتقد بودند که اجرای علنی مجازات در کل می‌تواند بازدارندگی لازم را داشته باشد.

درباره تأثیر بدیری دیدگاه باید گفت، دیدگاه پرسش‌شوندگان نسبت به مجازات و رویکرد سزاده‌ی، بیشتر از هر چیز تحت تأثیر «قانون» بوده، تا دیگر متغیرها چون مذهب، فرهنگ و تجربه‌ی زندگی اجتماعی؛ به‌طوری که سی و چهار درصد زنان و پنجاه و شش درصد مردان دیدگاه خود نسبت به مجازات را منبعث از قانون دانسته‌اند.



درباره گونه مجازات، هفتاد و هشت درصد مردان و هفتاد و نه درصد زنان موافق اعمال مجازات اعدام برای برخی از جرایم بوده‌اند. در این میان شمار موافقان با مجازات اعدام برای جرایم قتل عمد با تصمیم قبلی (مردان هفتاد و یک درصد و زنان هفتاد درصد) و تجاوز جنسی (مردان پنجاه درصد و زنان پنجاه و سه درصد) بیش از دیگر جرایم است. گفتنی است مجازات اعدام در ملاً عام برای جرم قتل عمد بدون سبق تصمیم گزینه‌ی مناسبی داشته نشده و پرسش شوندگان مناسب‌ترین مجازات را برای این جرم زندان در نظر گرفته‌اند.

به طور مشخص درباره حادثه‌ی قتل روح الله داداشی، یافته‌ها نشان می‌دهد بیش از نو درصد از پرسش شوندگان (۹۴ درصد زنان و ۹۵ درصد مردان) از آن مطلع بوده‌اند. این تعداد و مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسانی را تلویزیون و یا از طریق دوستان اعلام داشتند. گفتنی است درصد بالایی از پرسش شوندگان (هشتاد درصد مردان و هشتاد و نه درصد زنان) اعلام داشتند چنان‌چه قرار باشد مراسم اعدام در ملاً عام و در مجاورت منزل یا محل کارشان اجرا شود، هرگز در آن مراسم شرکت نخواهد کرد. با وجود این که قتل رخ داده بدون سبق تصمیم بوده و تنها بر پایه‌ی یک تصمیم آنی رخ داده بود، حدود نیمی از پرسش شوندگان به دلیل شخصیت قاتل و نیز نحوه بازنمایی بزه‌کار به نام یکی از «اراذل و اوپاش» اظهار داشتند اگر قاضی این پرونده بودند، اعدام در ملاً عام را مناسب‌ترین مجازات برای او می‌دانستند. این درحالی است که بزه‌کار کودکی ۱۷ ساله بود؛ سنی که تنها چهار درصد پرسش شوندگان به طور کلی با اعمال مجازات اعدام در چنین سنی موافقت داشتند.

بیش از هفتاد درصد پرسش شوندگان (۷۴ درصد مردان و ۸۹ درصد زنان) اعتقاد داشتند که مناسب ترین سن برای اجرای مجازات اعدام سن بیست به بالاتر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

«ماجازات اعدام در ملاً عام» یکی از مصدقهای سیاست‌های کیفری برای پیشگیری از وقوع جرم بوده و هست. این نوع مجازات اگرچه در بسیاری از کشورها تا حدود زیادی از صحنه اجتماعی رخت بربسته، اما اجرای آن را همچنان در برخی کشورها و در شرایط خاصی می‌توان دید. از جمله‌ی این شرایط درخواست عموم برای استقرار امنیتی است که آحاد جامعه یا دست کم بخش مهمی از آن بر اثر شیوع ترس از جرم آن را از دست‌رفته می‌دانند. به طور کلی می‌توان گفت نتیجه افزایش ترس از جرم که بیشتر پیامد سیاست‌ها و فعالیت‌های نادرست رسانه‌ای است، عوام‌گرایی کیفری است. در فضایی که ترس از جرم و عوام‌گرایی کیفری افزایش می‌یابد، نه تنها متهم از حقوق دادرسی تا حدودی باز می‌ماند بلکه مجازاتی در پیش روی خود می‌بیند که منطبق با تفکرات جرم‌شناختی نیست. قتل روح الله داداشی در فضایی روی داد که چندین جنایت مشابه با استفاده از سلاح سرد رخ داده بود. این جنایت‌ها حساسیت‌های عمومی را درباره ارتکاب قتل عمد، جلو دیدگان شهر وندان و با استفاده از سلاح سرد برانگیخته بود؛ حساسیت‌هایی که با تمرکز رسانه‌ها و آب و تاب گزارش‌های رسانه‌ای بیش از هر چیز واکنش عاطفی و انتقام‌جویانه را در سطح عمومی دامن می‌زد، تا برخوردي شایسته و بهره‌مند از نظریات کارشناسی را. شیوه‌ی قتل و انگیزه‌ی قاتل که می‌توانست مجازاتی دیگر را در پی داشته باشد، توسط رسانه‌ها به گونه‌ای بازنمایی شد که قاتل را موجودی مستحق مرگ و چیزی زاید در پیکره‌ی جامعه معرفی می‌کرد. نیمی از پرسش شوندگان پژوهش حاضر اعلام داشتند چنانچه قاضی پرونده قتل روح الله داداشی بودند آنان نیز حکم به اجرای چنین مجازاتی می‌دادند؛ با این حال یافته‌ها نشان می‌دهد افکار عمومی چندان از واقعیت‌ها و جزئیات پرونده آگاهی نداشتند. واکنش متفاوت پرسش شوندگان درباره قتل با تصمیم قبلی و بدون تصمیم قبلی و

نیز دیدگاه منفی آنان نسبت به اجرای مجازات اعدام گواه این مسئله است. یافته‌ها حاکی از نقش پر رنگ رسانه‌ها در بازنمایی اخبار جنایی است، بازنمایی که تنها تصویری مبهم از رخداد جنایی ترسیم می‌کند. از میان جرایم مورد پرسش، نگرانی زنان از تجاوز جنسی بیش از دیگر جرایم گزارش شد. از همین رو زنان اعدام در ملأ عام را مناسب‌ترین مجازات برای چنین جرمی انتخاب نموده‌اند. در زمینه قتل با تصمیم قبلی، اگرچه نگرانی پرسش‌شوندگان در مقایسه با برخی جرایم دیگر چون جرایم جنسی و یا حتی تصادف با راننده‌ی بی‌احتیاط قابل توجه نبوده، اما حدود چهل و دو درصد از پرسش‌شوندگان مجازات اعدام در ملأ عام را مناسب‌ترین مجازات برای این نوع جرم دانسته‌اند. این یافته نشان می‌دهد رابطه‌ی معناداری میان میزان نگرانی از جرم قتل با تصمیم قبلی و انتخاب نوع مجازات وجود نداشته است.

دریاره قتل بدون تصمیم قبلی، تنها حدود دو درصد از پرسش‌شوندگان اعدام در ملأ عام را مناسب برای چنین جرمی دانسته‌اند. نکته‌ی حائز اهمیت این که به طور کلی پرسش‌شوندگان با اجرای علنی مجازات موافق نبودند و درصد ناچیزی از آنها (ده درصد زنان و هفده درصد مردان) اعلام داشتند در صورتی که در مجاورت منزل و یا محل کارشان مراسم اعدامی در حال برگزاری باشد در آن مراسم شرکت خواهند کرد. در مقام تحلیل این داده‌ها باید گفت عدم توجه رسانه‌ها در حادثه قتل مرحوم روح الله داداشی به نحوه شروع و رخداد حادثه، سن قاتل، ارتکاب قتل بدون تصمیم قبلی و دیگر ویژگی‌ها و تأکید بر ضرورت جلوگیری از تکرار حوادث مشابه بدون ریشه‌یابی درست ارتکاب چنین جنایت‌هایی، تأثیر بسیاری در جهت‌گیری افکار عمومی در خصوص ضرورت اجرای مجازات اعدام در ملأ عام به عنوان سنگین‌ترین مجازات داشته است.

باید گفت بازنمایی جرم بدون تحلیل کارشناسانه می‌تواند منجر به هراس عموم از برخی جرایم شده و امنیت اجتماعی را به چالش کشاند. از این رو به نظر بیان زوایای مهم رویداد جنایی چون علل رفتار جنایی و نیز تحلیل کارشناسانه مبنی بر راهبردهای پیشگیرانه می‌تواند از افزایش بیش از حد جرم جلوگیری نماید، بی‌آن که در این مسیر ضرورتی به تهییج احساسات عمومی باشد. البته در عین حال خطاب

به سیاست گذاران جنایی باید گفت تشدید و نگرانی از جرم، باید منجر به عوام گرایی کیفری و ترسیم سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه شود که نتایجی مقطعي و گذرا دارند. پس ضروری است تا در شرایطی که جامعه بر مبنای عقاید عوام گرایانه، در فضای توأم با ترس و نفرت از جرم قرار می‌گیرد، کارگزاران نظام عدالت کیفری به جای اتخاذ رویکرد انعطاف‌ناپذیر و سخت کیفری، سعی بر اطلاع‌رسانی کارشناسانه و منطقی برای آگاهنمودن عموم مردم از بسترها و راهکارهای مقابله با جرم داشته و پس از ایجاد فضای بدون تشویش و هراس سیاست کیفری مناسبی اعمال نمایند.

فهرست منابع

۱. ابوالحسنی، رحیم (۱۳۸۰)، **اجرای علنی مجازات‌ها از دیدگاه حقوق اسلام**، رواق اندیشه، شماره‌ی ۶، اسفند.
۲. احمدی، محمد (۱۳۸۴)، قضاوت در ایران باستان، **رشد آموزش تاریخ**، شماره‌ی ۱۹، تابستان.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: میزان.
۴. اعتضادالسلطنه، نوژن (۱۳۸۷)، **گذار نظام کیفری اروپا؛ نفی زجر جسمانی احیای مجازات روانی نفی اعدام‌های خیابانی و آثار روانی آن در جامعه**، مجله فردوسی، اسفند.
۵. الجبیع‌العاملي، زین‌الدین، **الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه**، جلد سیزدهم، ترجمه‌ی علی شیروانی (۱۳۸۴)، دارالعلم، چاپ چهارم.
۶. بکاریا، سزار، **رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها**، ترجمه محمدعلی اردبیلی (۱۳۸۰)، تهران: میزان، تابستان.
۷. بولکت، برنار، **کیفرشناسی**، ترجمه‌ی علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (۱۳۸۶)، تهران: مجد، چاپ هفتم.
۸. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲)، **آسیب‌شناسی مجازات اعدام در حقوق ایران**، در: دایره‌المعارف علوم جنایی، جلد دوم، میزان.
۹. حبیب‌زاده، محمد‌جعفر؛ طاهری، محمدعلی؛ نجفی ابرندآبادی، حسین‌علی (۱۳۸۳)، **خشوفت و نظام عدالت کیفری**، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۱، تابستان.
۱۰. جمعی از نویسنده‌گان (۱۳۸۶)، **تعزیرات: از دیدگاه فقه و حقوق جزا، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی**، چاپ دوم، زمستان.
۱۱. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، **رسانه و فرهنگ‌سازی**، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸، زمستان.

۱۲. رجحان، سعید (۱۳۷۶)، **مجازات یا دفاع اجتماعی یا بازپروری مجرم، دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۵ و ۶، بهار و تابستان.
۱۳. روت، میچل، **تاریخ عدالت کیفری**، ترجمه‌ی ساناز استی (۱۳۸۵)، جلد نخست، تهران: میزان.
۱۴. ریاینر، روبرت، **بزه‌کاری ساخت رسانه‌ها: نمایش جرم در رسانه‌های جمعی**، در: **دانشنامه جرم‌شناسی آکسفورد**، ترجمه‌ی دکتر حمیدرضا ملک محمدی (۱۳۸۹)، تهران: میزان.
۱۵. سامی، علی (۱۳۵۰)، **دادرسی و قضاوت در ایران باستان عهد هخامنشی**، بررسی‌های تاریخی، شماره‌ی ۳۱، فروردین و اردیبهشت.
۱۶. ستونس ج. دنیس، **رسانه و عدالت کیفری: تأثیر بازنمایی جرم**، ترجمه احمدرضا علیزاده و حمیدرضا نیکوکار (۱۳۹۲)، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، تابستان.
۱۷. شمس ناتری، ابراهیم (۱۳۸۷) **بررسی تطبیقی مجازات اعدام**، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. صانعی، پرویز (۱۳۸۱)، **حقوق و اجتماع: رابطه‌ی حقوق با عوامل اجتماعی و روانی**، تهران: طرح نو، چاپ نخست.
۱۹. غلامی، حسین (۱۳۹۰)، **تکوار جرم: بررسی حقوق و جرم‌شناختی**، تهران: میزان، چاپ سوم، بهار.
۲۰. غلامی، حسین (۱۳۸۵)، **عدالت ترمیمی**، تهران: سمت.
۲۱. فارال، استفن؛ جکسون، جاناتان؛ گری، امیلی، **نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر**، ترجمه حمیدرضا نیکوکار (۱۳۹۲)، در حال چاپ.
۲۲. فوکو، میشل، **مراقبت و تنبیه، تولد زندان**، ترجمه افشین جهاندیده و نیکو سرخوش (۱۳۸۹)، تهران: نی.
۲۳. کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴)، **جنیش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی**، آموزه‌های فقهی، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان.

۲۴. کارولین هویل، عدالت ترمیمی، بزه دیدگان و پلیس، ترجمه محمد بارانی و حمیدرضا نیکوکار (۱۳۹۱)، **فصل نامه مطالعاتی پیشگیری از جرم**، شماره ۲۳، تابستان.
۲۵. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، **کنکاشی در تأثیر ادعاب مجازات اعدام**، دادرسی، شماره ۳۷، فروردین و اردیبهشت.
۲۶. میلانی، علی رضا (۱۳۸۷)، **اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در بستر تاریخ، حقوق، بهار و تابستان**، شماره ۶۲ و ۶۳.
۲۷. موریس، نورال، روتمن ج. دیوید، **سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه‌ی غرب**، ترجمه‌ی پرتو اشراق (۱۳۹۰)، ناهید، چاپ اول.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۹-۱۳۹۰)، **سیاست جنایی: سیاست کیفری عمل گرا - عوام گرا**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. نیکوکار، حمیدرضا، همت‌پور، بهاره (۱۳۹۱)، **ترس از جرم، میزان، چاپ اول**، پاییز.
۳۰. نیکوکار، حمیدرضا؛ یاراحمدی، مسعود (۱۳۹۱)، **تأثیر رویکردهای پلیس سنتی و جامعه محور در کاهش ترس از جرم، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۲۳، بهار.
۳۱. نیکوکار، حمیدرضا (۱۳۸۹)، **بررسی رابطه بین ترس از جرم و گرایش به سزاگرایی در میان دانشجویان**، در: **رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم**، جلد دوم، تهران: روان‌شناسی و هنر.
۳۲. وايت، راب؛ هینز، فيونا، **جرائم و جرم‌شناسی**، ترجمه‌ی علی سليمي (۱۳۹۰)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار.
۳۳. همت‌پور، بهاره، نیکوکار، حمیدرضا، بازنمایی جرم در مطبوعات، در حال چاپ.
۳۴. یان، مارش، **جامعه‌شناسی مجازات**، ترجمه محمدعلی کریمی (۱۳۸۴)، دانش انتظامی، شماره ۲۴، بهار.

35. Dezhbakhsh, Hashem; Rubin H. Paul; Shepherd M. Joanna (2002), Does Capital Punishment Have a Deterrent Effect? New Evidence from Post-Moratorium Panel Data, Department of Economics, Emory University, U.S.A.
36. Easton, Susan; Piper, Christine (2005), Sentencing and Punishment: the Quest for Justice, Oxford University Press, U.S.A.
37. Jones E. Nolan (2003), Three Strikes and You're Out: A Symbolic Crime Policy: Crime Control and Social Justice: The Delicate Balance, Greenwood Press, U.S.A.
38. Nellis M. Ashlei; Lynch P. James (2008), Crime and Crime Policy: International Perspectives on Punitivity: Crime, Fear, and the Demand For Punishment in the United State, Brockmeyer Verlag, Volume 4, Germany.
39. Wayne Lee, Steven (2005), Encyclopedia of School Psychology, SAGE, U.S.A.